



سال پنجم / بهار ۹۵

بررسی گونه های مختلف دینداری در مواجهه با مؤلفه های مدرنیته (مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)

- نیر پیراهری^۱
- حمیدرضا کشاورز^۲
- منیژه فتحی^۳

چکیده

در دوره های تاریخی و اجتماعی توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا می کند و دین با پرسش های معرفت شناسانه رقیبان خود مواجه می شود. این شرایط متنوع و جدید و نوع مواجهه با این شرایط، طرز تلقی ها و نگرش های جدیدی را نسبت به دین بوجود می آورد که از آن به نوع دینداری تعبیر می شود. جهت بررسی این موضوع، دیدگاه های صاحب نظران مختلف پیرامون انواع دینداری، مورد بررسی قرار گرفت که نهایتاً مدل ویلیام شپرد که رهیافتی جامعه شناسانه دارد، به دلیل جامعیت بالا و زیر پوشش قرار دادن اغلب مولفه ها و شاخص های گونه شناسی های دیگر برگزیده شد. روش این تحقیق، پیمایش می باشد و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد که با استفاده از نمونه گیری تصادفی طبقه ای تعداد ۲۴۷ نفر انتخاب شده اند. نتایج نشان داد از نظر نوع دینداری ۵/۷ درصد پاسخگویان رادیکال اسلامی، ۲۳/۶ درصد سنت گرا، ۴۹/۵ درصد سنت گرای جدید، ۱۸/۴ درصد تجددگرای اسلامی و ۲/۸ درصد سکولار هستند. بنابراین بیشترین درصد پاسخگویان از لحاظ نوع دینداری سنت گرای جدید هستند.

واژگان کلیدی: دینداری، انواع دینداری، سنت گرایی، تجددگرایی، مدرنیته، سکولاریسم، لیبرالیسم

۱. دکترای جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد گرمسار n_pirahari@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار h.keshaavarz@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تهران manizheh.fathi@gmail.com

بیان مسئله

پژوهش‌هایی چون «بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌های فرهنگی-اجتماعی در ایران» و «بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، که در سطح ملی و گسترده‌ای انجام شده‌اند، نشان دهنده میزان بالای دینداری و تمایلات مذهبی ایرانی‌هاست و بیانگر آن هستند که جامعه ایران، جامعه‌ای دینی است و دین در تحولات اجتماعی و سیاسی آن بسیار موثر است (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۷) ولی چرا ما با نمودها و جلوه‌های متفاوتی از آن، در نگرش و کنش افراد روبرو هستیم؟

تحلیل‌های نظری بیانگر آن است که در جوامع در حال گذار دینداری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده‌ای می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳؛ برگر و لاکمن، ۱۹۶۷). دینداری در جامعه ایران هم از این تحول مستثنی نیست. پیتر برگر این تغییرات را نخستین بار در مهم‌ترین نهادهای حامل مدرنیته (اقتصاد، صنعت، دولت و ...) دنبال می‌کند (برگر، ۱۹۶۷) و دانشگاه که کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه برعهده دارد به زعم وی، یکی از حاملان مدرنیته محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان دانشجویان را یکی از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه در نظر گرفت که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرند (توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵: ۹۷). این بدین معنی نیست که با رواج آگاهی مدرن در بین دانشجویان ضرورتاً از سطح دینداری آن‌ها کاسته می‌شود، اما به احتمال زیاد نوع نگرش آن‌ها به دین و گرایش‌های دینی آن‌ها تغییر می‌کند. (توسلی، ۱۳۸۵: ۹۷)

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد جریان پر شتاب مدرنیته که در قرن بیستم، تمامی نهادهای دینی را دچار انفعال کرده بود، نهادها و متفکران دینی را بر آن داشت تا آموزه‌های مذهبی‌شان را همبسته با جهان مدرن سازگار سازند؛ اما برخلاف پیش‌بینی‌های صورت گرفته در غرب، روند عرفی شدن و گسترش مدرنیته نتوانست دین را از عرصه اجتماع حذف کند، ولی به علت‌های متعدد، دینداری متنوع شد و اشکال مختلف پیدا کرد؛ در حقیقت شواهدی در پیرامون ما قابل رویت می‌باشد که حاکی از آن است که در واقعیت نه با بیش از دو شق دینداری و بی‌دینی، بلکه با گونه‌های مختلفی از دینداری روبرو هستیم. (حبیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۱)

در همین رابطه سراج زاده (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه انواع دینداری با مدارای اجتماعی به این نکته اشاره می‌کند که علاوه بر تأثیر دین و میزان دینداری، می‌توان از تأثیر انواع دینداری نیز صحبت کرد و دین یک شکل و حالت ثابت ندارد، بلکه در بین افراد مختلف به شکل‌های متفاوت بروز و ظهور می‌یابد.

نیم‌نگاهی به اختلافات فقهای شیعه در نهضت مشروطیت ایران که همگی در سطح بسیار بالایی از التزام دینی قرار داشته، ولی در مواجهه با شرایط خاص و جدید، برداشت‌های متفاوتی از دین داشته‌اند؛ از نمونه‌ها و مصادیق روشن این موضوع می‌باشد. دین‌شناسی مشروعه خواهان که در رأس آن‌ها شیخ فضل الله نوری قرار داشت، حداکثر انتظارات از دین را به دنبال می‌آورد؛ یعنی اینکه فهم آن‌ها از خاتمیت حضرت رسول (ص) این گونه بود که با ختم رسالت، کلیه مسائل مبتلا به بشر کلاً و جزئاً حل و فصل گردیده است؛ لیکن دین‌شناسی علمای مشروطه طلب بر این دیدگاه متکی بود که شریعت، احکام کلی را مشخص کرده است و تدوین قوانین جزئی را برعهده خود انسان‌ها گذارده تا به مقتضای شرایط زمان آن‌ها را مدون و منقح کنند. با انتظار حداقل از دین بود که مشروطه طلبان بر قانون‌گذاری بشری در امور عرفی مهر تأیید می‌نهادند، و با انتظار حداکثر از دین توسط مشروعه طلبان، بالطبع هرگونه قانون‌گذاری بشری مذموم شمرده می‌شد. به عبارت دیگر، دو طرز تلقی از دین،

دو توقع به وجود آورد که رویاروی یکدیگر ایستادگی می‌کردند و لذا این اختلاف نظر در قلمرو دین و استنباط متفاوت از متون دینی در مورد نوع نظام مطلوب سیاسی، منشأ مواضع و رویکردهای مختلف زعمای شیعه می‌شود. (آبادیان، ۱۳۷۴: ۵۶-۳۴)

لذا نکته جدلی و پرابلماتیک و به عبارتی مسئله این مقاله، از مشاهده شواهد و مصادیق متفاوت و گهگاه ضد و نقیض پیرامون ظهور و بروز دینداری در افرادی با دین و مذهب واحد و میزان پایبندی و التزام دینی مشابه استخراج شده است.

تاملات متفکران در گذشته بیشتر معطوف به محتوای دین و سرگذشت تاریخی ادیان بوده است و کمتر به سراغ مباحثی چون دینداری و تغییرات آن که منوط به مطالعه در احوال فردی است رفته اند. تازه در ادوار اخیر است که با اهمیت یافتن «عینیت» در دانش و «فردیت» در جامعه و رشد جریان‌های عرفی، بررسی وضع دینداری جامعه و تغییرات دینداری موضوعیت پیدا کرده و متفکران دین پژوه را به واکاوی و معرفی شاخص‌هایی برای آن مشغول ساخته است (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۵). تا نیمه قرن اخیر حتی توجه جامعه‌شناسان که اهتمام زائدالوصفی در آغاز به موضوع دین داشتند، به این بحث جلب نشد و نتوانست ذهن آن‌ها را از نظراندازی‌های کلان به موضوع «دین» منصرف و به سوی «دینداری» معطوف سازد. شاهد مثال آن که هیچ یک از آن‌ها، از دورکهایم و مارکس و وبر گرفته تا پاره تو و زیمل، بحثی درباره دینداری و مسئله تغییرات و سنجش آن مطرح نکرده اند. (همان: ۳۶)

دینداری از جمله مفاهیمی است که پیچیدگی قابل توجهی در معنا و مصداق آن وجود دارد و دین پژوهان تکاپوهای فراوانی را برای تجزیه و تحلیل مفهومی آن انجام داده‌اند و از زوایای مختلفی به آن پرداخته اند. به لحاظ واژه‌شناسی، دینداری صفت مفهوم دین است و از این نظر نسبی است؛ یعنی مصداق قطعی و مطلق برای آن نمی‌توان معلوم کرد و به این لحاظ دارای مراتب است و بین دو وضعیت حداقلی و حداکثری جای می‌گیرد. دوم به لحاظ منطقی می‌توان گفت که رابطه این دو واژه به نوعی رابطه مفهوم و مصداق است. دین یک مفهوم کلی و دینداری مصداق و جلوه‌ای از آن است. دینداری که واحد مشاهده آن در اصل افراد هستند، بر این اساس تلاش‌های فردی برای درک آن چشمه فیاض و قدسی است. بنابراین دینداری وابستگی تام به دین دارد و فرد دیندار، با درجات یا از جهات متفاوت می‌کوشد، خود را با یک منبع فیاض، که از نظر وی در دین متبلور است، هم ذات گرداند و بر این اساس، میزان و جهت همذات‌انگاری فرد با دین مورد نظر وی، دینداری او را روشن می‌سازد (میرسندهی، ۱۳۸۲: ۶۱-۵۹)

فرد متدین از یکسو خود را ملتزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر اهتمام و ممارست‌های دینی او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران باز شناخت. یکی از طریق «پایبندی» و التزام دینی اش و دیگری از «پیامد» دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. دغدغه اصلی گرهارد لسنکی، بررسی همین تأثیرات دین و دینداری بر زندگی جاری و نهادهای عرفی است. (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶)

دینداری یک نظام عملی مبتنی بر اعتقادات است که در قلمرو ابعاد فردی و اجتماعی از جانب پروردگار برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال شده و شامل عقاید، باورها، نگرش‌ها و رفتارهاست که با هم پیوند دارند و یک احساس جامعیت را برای فرد تدارک می‌بیند. (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱)

علمای اسلام «دین» را مجموعه‌ای از تعالیم و دستورات می‌دانند که از سوی خداوند به وسیله پیامبران بر

انسان فرستاده شده تا انسان و جامعه بر اساس آن راه کمال پیمایند و می‌توان آن را شامل سه بخش عقاید، اخلاقیات و احکام دانست. با قبول چنین تعریفی از دین؛ دینداری عبارتست از مجموعه‌ی شناخت‌ها، احساسات و تمایلات نسبتاً پایدار نسبت به اعتقادات، اخلاقیات و احکام دینی که در وضعیت عادی، طبیعی و اجتماعی و روانی در فرد وجود دارد و در کنش‌های فرد و رابطه‌ی او با خداوند، هموعان و با خودش و جهان آشکار می‌گردد. (یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰)

بنابراین باید توجه داشت که دین پدیده‌ای مستقل از پذیرش انسان هاست و دینداری یا تدین ناظر به پذیرش دین توسط انسان هاست. در واقع دینداری نوعی صفت و حالت انسان درباره دین است و شخص دیندار کسی است که براساس ویژگی‌های خاص منطبق با هنجارهای دینی تحت تاثیر این حالات به عمل دست می‌زند. (فقیهی، ۱۳۸۵: ۴۸)

به بیانی دیگر «دیندار کسی است که با آگاهی اگرچه اندک از اصول و شعایر یک مذهب در نظر و عمل پیروی از یک دین را پیش می‌گیرد، به نحوی که این پیروی بر زندگی اجتماعی و غیر مذهبی او تاثیر می‌گذارد. (انوری، ۱۳۷۳: ۱۵۶)

دینداری یا تدین حالت انسان بوده که دین متعلق آن است. در واقع، دینداری وقتی است که تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی (اعم از عقاید، اخلاقیات و احکام) مورد پذیرش مردم یا گروهی از افراد قرار گیرد. بنابراین، در مقام تعریف می‌توان گفت که دینداری یا تدین عبارتست از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی که پیرامون خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او، سامان می‌پذیرد. دینداری به بیان کلی یعنی داشتن «اهتمام دینی» به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (هیمل فارب، ۱۹۷۵: ۶۱۸-۶۰۶).

هنگامیکه از مفهوم دینداری صحبت به میان می‌آید باید در نظر داشته باشیم که مطالعه دینداری معمولاً در دو سطح انجام می‌گیرد، این سطوح را می‌توان مرکزی و پیرامونی نامید. معمولاً میزان دینداری را هسته مرکزی دینداری و نوع دینداری یا قرائت دینی را لایه پیرامونی آن بحساب می‌آورند. لایه مرکزی دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین (عقاید، مناسک، باورها و تجربه دینی) و لایه پیرامونی شامل انواع دینداری هاست. دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین در سطح مرکزی دینداری و گونه‌ها و انواع دینداری که در مواردی در سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین جای می‌گیرند، لایه‌های پیرامونی دینداری را شکل می‌دهند. لایه‌های پیرامونی را می‌توان ضرورت‌های تاریخی ادیان نیز محسوب کرد که با توجه به این امر ابعاد جدیدی در دینداری، حداقل از حیث مواجهه با پرسش‌های معرفت‌شناسانه رقیبان دین و یا ضرورت‌های تاریخی و توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا کرده‌اند و شرایط متنوعی را نسبت به این حالت جدید مطرح ساخته‌اند. (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۲۸)

دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین یا همان التزام دینی از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی که حوزه علاقه‌شان مطالعه تجربی دین است به آن بسیار توجه کرده‌اند، به طوری که در طول دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هیچ موضوعی در مطالعات تجربی دین به اندازه تعیین مشخصات مفهومی دینداری مورد توجه قرار نگرفته است (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۵۸). نتیجه این مطالعات ادبیات گسترده‌ای را در خصوص مطالعه میزان دینداری افراد با تکیه بر ابعاد اصلی دین به وجود آورده، به طوری که امروزه شاخص‌های زیادی برای سنجش‌های چندبعدی دینداری وجود دارد و نمونه این مطالعات در کشور ما نیز به حد کافی انجام شده و می‌شود. (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۷۱) شایان ذکر است که این رهیافت چند بعدی بودن دین و تعریف چند بعدی از دینداری و نحوه سنجش آن معمولاً با نام

گلاک و استارک پیوند خورده است. آن‌ها پنج بعد اصلی برای دینداری قائل‌اند که عبارتند از: بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد تجربی، بعد فکری یا شناختی و بعد پیامدی (سراج زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). اما آنچه که در این مقاله مورد نظر می‌باشد، لایه و سطح پیرامونی دینداری یعنی نوع و گونه دینداری می‌باشد که در ادامه به طور تفصیلی تر به آن پرداخته خواهد شد. در واقع ضرورت شناسایی انواع و گونه‌های مختلف دینداری از آن جاست که ما در واقعیت نه با بیش از دوشقی ساده شده «دینداری/ بی دینی»، بلکه با گونه‌های مختلف دینداری و تغییرات درونی و بیرونی آن‌ها مواجهیم (بیت هالامی و آرجیل، ۱۹۷۷: ۳۴).

پیشینه تجربی

علیرضا شجاعی زند (۱۳۸۴)، مدلی را برای سنجش دینداری در ایران ارائه داده است. در این مقاله محقق پس از تعریف دینداری، برخی از مشهورترین مدل‌های دینداری (مدل لنسکی، مدل استارک و گلاک، مدل فوکویاما، مدل دیجانگ، فاکنر و وارلند، مدل کینگ و هانت، مدل همیل فارب، مدل کورن وال، آلبرخت، کانینگهام و پیچر) را معرفی نموده و پس از بررسی و نقد هر یک از آن‌ها مدلی را برای سنجش دینداری در ایران ارائه داده است. در مدل وی دین دارای ۵ بعد اعتقادات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات و دینداری نیز شامل ۵ بعد معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرع بودن است. وی نشانه‌های دینداری را داشتن معلومات دینی، داشتن ظاهر دینی، ابراز هویت دینی، داشتن اهتمام شعائری، داشتن مشارکت دینی، داشتن معاشرت دینی، اهتمام دینی در خانواده دانسته و پیامدهای دینداری را بینش الهی، اهل معنا بودن، متخلق بودن و متقی بودن معرفی کرده است.

شناخت گونه‌های دینداری توسط نیک پی و دیگران (۱۳۸۲) با مطالعه پدیدارشناسانه انجام گرفته است. وی در این مطالعه به ۸ گونه از دینداری در میان جوانان دست یافته است؛ این گونه‌ها عبارتند از: ۱- ضد دینداری، ۲- غیر دینداری، ۳- دینداری عوام، ۴- دینداری ابزاری، ۵- دینداری ترکیبی نوین، ۶- دینداری الهیاتی، ۷- دینداری سکولار و ۸- دینداری لائیک. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دینداری جوانان به سمت دینداری سکولار گرایش پیدا کرده است.

همچنین بررسی میزان و انواع دینداری در میان دانشجویان، توسط میرسندسی (۱۳۸۳) با روش پیمایش انجام گرفته است و برای دینداری دو سطح مرکزی و پیرامونی در نظر گرفته شده است که برای انواع دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین «مناسک، باورها و تجربه‌های دین» و در لایه‌های پیرامونی، انواع دینداری «ایدئولوژیک/ غیر ایدئولوژیک»، «رسمی/ غیر رسمی»، «سنتی/ پویا» و «با واسطه/ بی واسطه» را مطرح کرده است.

مبانی و چارچوب نظری

منظور از نوع دینداری^۴ برداشت‌ها و تلقی‌های متفاوتی است که دینداران در زمینه فروع دین و رابطه دین و دنیا یا واکنش به مدرنیته و مظاهر آن (عقل و علوم جدید و ...) دارند. در ضرورت‌های تاریخی و اجتماعی توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا می‌کند و دین با پرسش‌های معرفت‌شناسانه رقیبان خود مواجه می‌شود. این شرایط متنوع و جدید و نوع مواجهه با این شرایط، طرز تلقی‌ها و نگرش‌های جدیدی را نسبت به دین بوجود می‌آورد که از آن به نوع دینداری تعبیر می‌شود (ذوالفقاری، ابوالفضل؛ موحدی، محمدابراهیم، ۱۳۹۰: ۴).

در سطح دوم مطالعات دینداری یعنی سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین، که از آن به «نوع دینداری»، «نگرش دینی» و یا «قرائت دینی» تعبیر می‌شود و ناشی از مواجهه دینداران با ضرورت‌های زمانی و مکانی بوده و در قرون اخیر از مواجهه دین با مدرنیته شکل گرفته، کمتر نظریه‌ای این سطح دینداری را مورد مطالعه قرار داده است. یک علت این مسئله شاید بحث‌های سکولاریسم و سکولاریزاسیون در غرب باشد که به عنوان پدیده‌های همراه مدرنیته و یا به عنوان یکی از مبانی آن مطرح شده که اعتقاد به افول دین به واسطه ظهور و تداوم مدرنیته داشته است. درست برعکس مطالعات مربوط به سنجش میزان دینداری، حجم مطالعات مربوط به بررسی انواع تلقی‌ها و قرائت‌های دینی در جوامع اسلامی بیشتر از کشورهای غربی است. زیرا مدرنیته برای اینگونه از کشورها که دین اسلام حضور و نفوذ گسترده‌ای در آنها دارد، امری وارداتی محسوب شده و تقابل اسلام با ایدئولوژی‌های غربی یکی از زمینه‌های پیدایش این قرائت‌ها و خوانش‌ها و طرز تلقی‌های جدید نسبت به اسلام است. باید توجه داشت که بحث قرائت‌های مختلف از دین با بحث التزام دینی متفاوت است؛ البته در عین حال همبستگی متقابلی میانشان برقرار است. یعنی گاهی قرائت‌های خاص به دینداری‌های مشخصی منجر می‌شود و گاهی از دل دینداری‌های مشخص، قرائت و تلقی‌های خاصی از دین بیرون می‌آید (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۴)

جامعه ایرانی در چند دهه اخیر با فرآیندهای معروف به مدرنیته یا تجدد مواجه بوده است. تجدد همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی را تحت تاثیر قرار داده و ارزش‌های جدیدی را در جامعه رواج داده است. این ارزش‌ها که از آن به ارزش‌های مدرن تعبیر می‌شود موجب بروز اعتقادات و گرایش‌های فکری مختلف در جامعه شده است. در حوزه دینی رویارویی دینداران با تجدد، زمینه ساز ظهور قرائت‌های جدید از دین شده است. در واقع نفی مدرنیته یا مبارزه با مدرنیته و مقاومت در برابر آن، پذیرش مدرنیته یا سازگاری با آن، گزینش عناصر مدرن و نقد نسبت به مدرنیته و سنت دینی، هر کدام نوعی رویارویی و مبین قرائت از دین می‌باشند که گاهی در تقابل با یک دیگر در صحنه منازعات و کشمکش‌های جاری در جامعه و نظام سیاسی ایران به چشم می‌آیند. این تقابل‌ها را در گروه بندی‌های چون اصلاح‌طلبان، اقتدارگرایان یا محافظه‌کاران شاهد هستیم. پس امکان ظهور قرائت‌های گوناگون از دین، ناشی از رویارویی دین و مدرنیته و به تعبیر صحیح‌تر، ناشی از تحول عقل در دنیای جدید است و به لحاظ تاریخی، هم در دنیای اسلام و هم در دنیای مسیحیت، شاهد رویکردها و قرائت‌های گوناگون از دین، ناشی از این تحول عقلانی بوده‌ایم و نهضت پروتستانتیسم در مسیحیت نمونه‌ای بارز در این زمینه به شمار می‌رود. (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸)

انواع دینداری از دیدگاه صاحب‌نظران

برای گونه‌شناسی انواع دینداری، تقسیم‌بندی‌ها و مدل‌های متفاوتی توسط صاحب‌نظران مطرح شده است. معیارها و مبانی این نوع‌شناسی‌ها متفاوت است اگرچه همپوشانی‌هایی هم در بعضی از انواع دیده می‌شود. این نوع‌شناسی‌ها تا حدود زیادی جنبه مثالی و ایده‌آلی نوع وبری داشته و شبیه ساختارهای تحلیلی است که ممکن است همیشه با واقعیات انطباق نداشته باشد، ولی می‌تواند قدرت مقایسه و تجزیه و تحلیل را فراهم نماید. (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۷۷)

گوناگونی دینداری در افراد و گروه‌های متفاوت، در اندیشه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر و صاحب‌نظران متعددی که به تحقیق در زمینه جامعه‌شناسی دین پرداخته‌اند، به شیوه‌های گوناگون مورد تامل و بررسی قرار گرفته

است که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است.

دیدگاه‌های نظری اندیشمندان خارجی

جان هیک

در باب انواع دینداری، جان هیک نگرش‌های مختلفی را که در روند تحول موضع‌گیری مسیحیت نسبت به تنوعات و تکثرات و یا به عبارتی تنوع ادیان شکل گرفته، به سه دسته تقسیم می‌کند، «انحصارگرایی»، «شمول‌گرایی» و «کثرت‌گرایی». به اعتقاد هیک، انحصارگرایی، نجات و آزادی انسان را منحصر به یک سنت دینی خاص است و بقیه ابنای بشر یا از معرکه بیرون می‌مانند و یا این که به صراحت از قلمرو نجات و رستگاری مستثنی می‌شوند (هیک، ۱۳۷۸: ۶۵). کثرت‌گرایی عبارت است از قبول و پذیرش این دیدگاه که تحویل و تبدیل وجود انسانی از حالت خودمحوری به خدامحوری (حقیقت‌محوری)، به طرق گوناگون در درون همه سنت‌های دینی بزرگ عالم صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، تنها یک راه و شیوه نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راه‌های متعدد و متکثری در این زمینه وجود دارد. شمول‌گرا نیز مانند انحصارگرا تنها یک راه برای رستگاری و نجات قائل است و آن نیز صرفاً در یک دین خاص وجود دارد یا از طریق طرز تلقی پیروان مذهب خاصی در درون سنت دینی خاص حاصل می‌شود.

با این حال وی معتقد است که همه می‌توانند در این راه گام نهند. فرد شمول‌گرا درهای بهشت را کمی باز می‌کند، به گونه‌ای که پیروان ادیان دیگر نیز امکان ورود به آن را پیدا می‌کنند، البته به شرطی که در سنت دینی خویش انسان‌های درستکاری باشند. به این ترتیب دینداری شمول‌گرا در مرز بین انحصارگرایی و کثرت‌گرایی قرار می‌گیرد (هیک، ۱۳۷۸: ۶۹).

اریک فروم

اریک فروم (۱۳۵۴) نیز با نگاه روانشناسانه به سنخ‌شناسی ادیان و دینداری می‌پردازد. وی دو نوع دین را تشخیص می‌دهد که در سطح فردی و در نگرش افراد می‌توان از آن به دو نوع دینداری تعبیر کرد: **دین خودکامه و دین انسان‌گرا**. دین خودکامه به معنای شناسایی یک قدرت برتر است که بر سرنوشت انسان تسلط دارد و واجب‌الاطاعه و لازم‌الاحترام است. در مقابل دین انسان‌گرا برای انسان و بر اساس توانایی او سامان یافته است. این نوع برداشت از دین با تصویر خشنی که از دین ترسیم می‌کند، توسل به خشونت را برای دینداران تجویز می‌کند. (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۰)

ویلیام شپرد

یکی دیگر از این نوع‌شناسی‌ها، کار ویلیام شپرد (۱۹۸۷) است که بر اساس رابطه دین و ایدئولوژی و چگونگی نگرش به مدرنیته صورت گرفته است و نتیجه ۷ سال مطالعه او در سرزمین‌های اسلامی و از جمله ایران است. شپرد انواع دینداری‌ها را به عنوان مقوله‌های کاملاً جدا در نظر نمی‌گیرد بلکه آنها را به عنوان نقطه‌هایی بر روی یک طیف دو بعدی قرار می‌دهد که یک بعد آن کلیت (تمامیت) گرایی اسلامی و بعد دیگرش تجدد (مدرنیته) است. این نظر شپرد در نمودار زیر ترسیم شده است.

وی پنج نوع دینداری سکولار، تجددگرایی اسلامی، اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی جدید و سنت

گرایی را بازشناسی نموده است. تقسیم بندی وی مبتنی بر نو طبقه بندی عکس العمل ها و پاسخ ها به نفوذ غرب و راه حل هایی برای احیای اسلام در عصر حاضر است. او ویژگی های مهم هر یک از انواع دینداری را خصوصاً از بعد دوری و نزدیکی با مدرنیته و رابطه دین و ایدئولوژی بر می شمرد و هر یک از انواع را نیز به چند دسته تقسیم می کند. به طور مثال سکولاریسم را به افراطی و معتدل و سنت گرایی را به هم سازگرا و طردگرا تقسیم می کند تا به این طریق مطالعه او انواع متفاوت دینداران را در بر بگیرد و از جامعیت بالایی برخوردار باشد. این جامعیت به حدی است که اگر حتی از انواع فرعی دینداری های او صرف نظر کنیم، تا حد زیادی پوشاننده سایر نوع شناسی هاست. (شپرد، ۱۹۸۷: ۳۲۱)

جدول شماره ۱ - انواع دینداری از نظر ویلیام شپرد

معرف ها نوع دینداری	اجتهاد یا نحوه بازسازی اسلام در عصر حاضر	جهت گیری فکری	ایدیه پیشرفت	گرایش جهانی آن جهانی
سکولاریسم	رد هرگونه ملاحظه دینی در اقتباس از غرب	مدرن	تکیه بر پیشرفت با تبعیت از یک مدل غربی	گرایش این جهانی
تجددگرایی اسلامی	انعطاف پذیری شدید و قائل بودن به ارزش زیاد برای عقل و اجتهاد(مدرن کردن اسلام)	نواندیشانه	پذیرش کامل ایده پیشرفت با ترکیب اسلام و غرب	گرایش این جهانی / آن جهانی
رادیکالیسم اسلامی	اجتهاد در موارد غیر نص(اسلامی کردن مدرنیته)	بنیادگرایانه	پذیرش ایده ترقی با تبعیت از مدل اسلام مترقی	توجه اسلام به همه ابعاد زندگی(این جهانی و آن جهانی)
سنت گرایی جدید	اجتهاد در چارچوب سنت(اقتباس مواردی که با مذهب و رسوم اجتماعی کاری نداشته باشد)	بنیادگرایانه	تعهد بسیار کم به ایده پیشرفت به سبک غربی	گرایش به قلمرو آن جهانی
سنت گرایی	اجتهاد محدود در چارچوب سنت؛ راه های مقبول گذشته برای تغییر کافی است(عدم لزوم شناخت مدرنیته و اقتباس از آن)	بنیادگرایانه	مخالفت شدید با ایده پیشرفت به سبک غربی	گرایش آن جهانی(حداقل در نظر)

تاکید بر عمل/تفکر	نوع تلقی از دین	نحوه مواجهه با مدرنیته	نحوه تلقی از سنت اسلامی	موضع‌گیری نسبت به مشکلات اسلام
عدم داعیه حاکمیت شریعت اسلامی (اسلام دین حکومت نیست)	دین به عنوان میراث فرهنگی و جزئی از هویت ملی	موافقت کامل با مدرنیته	منسوخ دانستن سنت اسلامی	تبعیت کامل از یک مدل غربی برای حل مشکلات
تاکید بر تلفیق تفکر مدرن و اسلامی با مشی مدارا جوانه و مسالمت آمیز	اسلام انعطاف پذیر (شبه سکولاریستی) و انتخاب گر در میان ایدئولوژی غربی رقیب (تفسیر عقلانی از دین)	دفاع از فرهنگ مادی و غیر مادی غرب، مواجهه اسلام با مدرنیته با اصالت مدرنیته	نقد سنت اسلامی با تکیه بر مدرنیته	داخلی دانستن مشکلات جهان اسلام
عملی ساختن فوری شریعت با مشی انقلابی و خشونت آمیز	اسلام به عنوان هم مذهب و هم ایدئولوژی (اسلام ایدئولوژیک)	اقتباس تکنولوژی مدرن و پذیرش بعضی عناصر مدرن با اصالت اسلام پرهیز از انطباق اسلام با ایدئولوژی‌های غربی	حذف خرافات از سنت با تکیه بر اسلام ناب	داخلی دانستن مشکلات جهان اسلام و انتساب آن به استعمار غرب
مخالفت با تلفیق تفکر مدرن و اسلامی و توجه به فکر سنتی و عدم اصرار بر تحقق فوری ایده‌های اسلام و اعتقاد به تحول تدریجی	قرائت اسطوره‌ای و نمادی از سنت و دین (اسلام معنوی و عرفانی)	مخالفت با مدرنیته و ظواهر آن و مراقبت و احتیاط شدید در اقتباس از غرب، نقد تمدن غرب و دفاع از سنت‌های اسلامی در برابر غرب	نقد مدرنیته با تکیه بر سنت اسلامی	داخلی دانستن مشکلات جهان اسلام
مخالفت با تلفیق تفکر مدرن و اسلامی و روبرو شدن با غرب با خشونت و زور	قرائت اسطوره‌ای و نمادی از سنت و دین و ارج نهادن به خرافات سنتی	مخالفت شدید و ناآگاهانه با مظاهر مدرنیته، غرب مظهر فلاکت و بدبختی	حفظ کامل سنت به شکل کنونی	خارجی دانستن مشکلات جهان اسلام

آلبورت

آلبورت دو نوع دینداری را مطرح می‌کند: دینداری برون دینی (نهادی) و دینداری درون دینی (شخصی). در نوع اول شخص به خاطر امنیت، قدرت و برتری به عضویت کلیسا در می‌آید و شخصیتی اقتدارگرا و تعصب آلود دارد. در نوع دوم فرد تعالیم بنیادین کلیسا در مورد اخوت و برادری را منعکس کننده ی آرمان‌هایی می‌داند که صادقانه باورشان دارد و از این رو به عضویت کلیسا در آمده و شخصیتی مداراجو دارد (آلبورت، ۱۳۷: ۹۵۹).

دیدگاه‌های نظری اندیشمندان داخلی

عبدالکریم سروش

یکی دیگر از نوع‌شناسی‌های دینداری متعلق به عبدالکریم سروش است. وی ضمن تاکید بر اینکه گونه‌شناسی دین‌ورزی امری بدیع و جدید نیست، سه گوه دین‌ورزی را مورد بررسی قرار می‌دهد (سروش، ۱۳۷۸: ۲۲). این سه نوع دین‌ورزی یا سه نحوه نگرش به دین در میان رهروان یک دین تحت عنوان اصناف دین‌ورزی «تجربیت اندیش»، «معرفت اندیش» و «معیشت اندیش» از هم تفکیک می‌شوند. مشخصه اصلی دین‌ورزی معیشت اندیش، تاکید صرف به ظاهر دین و مناسک پرستی، جزمیت و غیرعقلانی یا عاطفی بودن است. ویژگی دینداری معرفت اندیش، عقلانیت و پرسشگری و فاصله گرفتن از جزمیت است که باعث می‌شود تنوعات و تکثرات موجود در عرصه دین و دینداری توسط دینداران خردورز، به رسمیت شناخته شود و بالاخره دین‌ورزی تجربیت اندیش نوعی دینداری مبتنی بر تجربه باطنی و شهود و عرفان است.

مبنای تقسیم بندی سروش در انواع دینداری، عقل (انواع و میزان قبض و بسط عقل) است. مثلا در دینداری مصلحت اندیش از نوع عامیانه آن، عقل تقریبا غایب است و عاطفه بر آن غلبه دارد و به تعبیر وبری کنش‌های این دینداران عموما کنش‌های عاطفی است و در نوع عالمانه آن عقل عملی محوریت دارد و کنش‌ها عموما ابزاری است به همین ترتیب مبنای دینداری تجربیت اندیش عقل شهودی و مبنای دینداری معرفت اندیش بر اساس عقلانیت مدرن بسیط است که با گرایش علمی-فلسفی با دین و وحی مواجه می‌شود. نکته حائز اهمیت در نوع‌شناسی سروش این است که اولاً این تقسیم‌بندی شباهت زیادی با رویکردهای دینی در گذشته دارد. مثلا دینداری مصلحت اندیش همان رویکرد فقیهانه و دینداری تجربیت اندیش همان رویکرد عرفانی و دینداری معرفت اندیش، نیز همان رویکرد حکیمانه نسبت به اسلام و سنت نبوی است که در گذشته نیز در میان مسلمانان موجود بوده است. اشاره خود ایشان به این نکته که گونه‌شناسی دین‌ورزی امری بدیع و جدید نیست موید مطلب است. ثانيا عمده شاخص‌هایی که در این نوع‌شناسی ارائه می‌شود ناظر به شاخص‌هایی است که امروزه تحت عنوان ابعاد دین در مباحثات مربوط سنجش میزان دینداری مطرح اند، نه قرائت‌های دینی و انواع دینداری. (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۷۹)

مصطفی ملکیان

در تقسیم بندی ملکیان دینداری دارای سه نوع بنیادگرا، سنت‌گرا و تجددگرا است. ایشان نیز نوع‌شناسی خودشان را بر اساس نوع مواجهه با مدرنیته و ارزش‌های سیاسی آن و نیز میزان استفاده از عقل استدلال‌گرا در روایت‌های اسلامی قرار داده اند. دین‌داری بنیادگرا بر ظواهر اسلام تاکید می‌کند، نه بر روح آن و نص‌گرا و نقل‌گرا است. این نوع دینداری به تکثرگرایی دینی قائل نیست، با فرهنگ غرب و تجدد مخالف است و هر تفسیری

از اسلام را که به گفتگوی بین فرهنگی قائل است بر نمی‌تابد، بنابراین به غیر خودش بدبین است. در مقابل دینداری تجددگرایانه بر روح پیام اسلام تاکید دارد، نه بر ظواهر آن. تدین را بیش از هر چیز در اخلاقی زیستن می‌بیند، آن هم اخلاقی این جهانی و انسان گرایانه. به تکثرگرایی دینی قائل است و از تکثرگرایی سیاسی نیز استقبال می‌کند و بالاخره دینداری سنت گرا در حدفاصل بین دو نوع قبلی قرار دارد. در این نوع دینداری، تدین بیشتر نوعی سیر و سلوک باطنی است که در آن رعایت دقیق احکام شریعت و فقه شرط لازم و غیرکافی است. دغدغه تاسیس حکومت شریعت مدار و فقه گرا ندارد، بلکه بیشتر در پی آن است که در سطح عموم نوعی اخلاق مبتنی بر آموزه «هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند» رواج یابد (ملکیان، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۱)

محمد مجتهد شبستری

تقسیم بندی مشهور دیگری که وجود دارد مربوط به محمد مجتهد شبستری است که بر اساس یک چارچوب هرمنوتیکی و تکیه بر مقومات تفسیر و فهم متون در دیدگاه خود، دو نوع دینداری را تحت عنوان **قرائت رسمی از دین و قرائت غیررسمی از دین** و به تعبیری دیگر قرائت غیرانسانی از دین بازشناسی می‌کند. در واقع قرائت رسمی از دین همان اسلام فقهاتی است که داعیه حکومت هم دارد. قرائتی که در نوع شناسی های دیگر از آن تحت عنوان اسلام ایدئولوژیک و یا اسلام گرایی رادیکال نیز یاد می‌شود. به گفته مجتهد شبستری در این نوع دینداری انسان برای دین است نه دین برای انسان (قرائت انسانی). در حالی که قرائت انسانی از دین که براساس چارچوب هرمنوتیکی و با دید تاویلی شکل می‌گیرد، نوعی دینداری معرفت شناسانه است که بر تعامل معارف جدید و معارف دینی مبتنی است. در واقع در حالیکه سروش مباحث معرفت شناسی خود را بر ارکانی، همچون جدایی دین از معرفت دینی، بشری دانستن معرفت دینی و سلب تقدس از آن، تاکید بر مبادله و گفتگوی معرفت های بشری با هم و در نتیجه سیال و ذو مراتب بودن فهم از دین بنا می‌کند، مجتهد شبستری با طرح هرمنوتیکی و تاویلی دین، دریچه هایی را برای تامل معارف جدید و معرفت دینی می‌گشاید. دانش هرمنوتیک و دانش تاریخ به ما می‌گوید «واقعیتی به نام قرائت قطعی الانطباق از متون دینی اسلامی نداریم و همه قرائت‌ها ظنی و اجتهادی است و همواره پیدایش قرائت های جدید امکان دارد و از جهت منطقی، هیچ مانعی برای آن وجود ندارد» (شبستری، ۱۳۸۱: ۲۷۴)

محسن کدیور

محسن کدیور نیز با اشاره به سه نوع رویکرد فقیهانه، عارفانه و حکیمانه با سنت نبوی در گذشته، معتقد است که در نیم قرن اخیر چهار رویکرد مختلف با سنت نبوی با اسلام قابل ذکر است که این چهار رویکرد یکی مربوط به گذشته و سه مورد دیگر مدرن اند. این چهار رویکرد عبارتند از: **رویکرد یا مواجهه سنتی، رویکرد سنت گرایانه، رویکرد بنیاد گرایانه و رویکرد نواندیشانه**. رویکرد سنتی مربوط به گذشته است اما سه مورد دیگر جدیدترند و برخی حتی به نیم قرن اخیر تعلق دارند. مبنای نوع شناسی کدیور، شیوه مواجهه با سنت نبوی (ص) است که بر حسب این که این مواجهه، فقهی یا عرفانی، سیاسی و یا غایت گرایانه باشد، نوع دینداری‌ها و قرائت از دین نیز متفاوت خواهد شد. در واقع سنتی‌ها، بر چارچوب های شکلی و فرمالیستی، سنت گرایان بر بعد عرفانی و شهودی، بنیادگرایان بر بعد سیاسی، و نواندیشان دینی بر بعد احیاءگرایانه دین تاکید می‌کنند. کدیور در بیان شاخص های خود برای هر یک از این انواع دینداری، علاوه بر شیوه مواجهه، عنوانی که دینداران برای حضرت

رسول (ص) قائلند و نیز مهمترین آیاتی از قرآن را که فرا راه خود قرار می‌دهند و نیز مفهوم شاخصی را که در هر یک از آنها برجسته است (مثلا مفهوم اطاعت در نزد سنتی ها، ولایت در نزد سنت گرایان، جهاد و شهادت در نزد بنیادگرایان و مفهوم حیات طیبه در نزد نواندیشان) به عنوان معرف های هر یک از دینداری ها فقط اشاره نموده است. (کدیور، ۱۳۸۵)

جدول شماره ۲ - انواع دینداری از دیدگاه صاحب نظران

انواع دینداری از دیدگاه صاحب نظران	
جان هیک	<p>انحصارگرا: نجات و آزادی انسان منحصر به یک سنت دینی خاص است</p> <p>شمولگرا: نجات انسان از راه یک سنت دینی خاص است ولی همه می‌توانند وارد آن شوند</p> <p>کثرتگرا: راه های متعدد و متکثری برای رستگاری وجود دارد.</p>
اریک فروم	<p>خودکامه: به معنای شناسایی یک قدرت برتر است که بر سرنوشت انسان تسلط دارد و واجب الاطاعه و لازم الاحترام است</p> <p>انسانگرا: برای انسان و بر اساس توانایی او سامان یافته است</p>
ویلیام شپرد	<p>دینداری سکولار: موافقت کامل با مدرنیته</p> <p>تجددگرایی اسلامی: دفاع از فرهنگ مادی و غیر مادی غرب، مواجهه اسلام با مدرنیته با اصالت مدرنیته</p> <p>اسلام گرایی رادیکال: اقتباس تکنولوژی مدرن و پذیرش بعضی عناصر مدرن با اصالت اسلام پرهیز از انطباق اسلام با ایدئولوژی های غربی</p> <p>سنت گرایی جدید: مخالفت با مدرنیته و ظواهر آن و مراقبت و احتیاط شدید در اقتباس از غرب، نقد تمدن غرب و دفاع از سنت های اسلامی در برابر غرب</p> <p>سنت گرایی: مخالفت شدید و ناآگاهانه با مظاهر مدرنیته، غرب مظهر فلاکت و بدبختی</p>
سروش	<p>تجربیت اندیش: دینداری مبتنی بر تجربه باطنی و شهود و عرفان</p> <p>معرفت اندیش: تاکید بر عقلانیت و به رسمیت شناختن تنوعات و تکررات موجود در عرصه دین و دینداری</p> <p>معیشت اندیش: تاکید صرف به ظاهر دین و مناسک پرستی، جزمیت و غیرعقلانی یا عاطفی بودن</p>
ملکیان	<p>بنیادگرا: تاکید بر ظواهر اسلام نه بر روح آن، نص گرا و نقل گرا، مخالفت با فرهنگ غرب و تجدد، مخالفت با گفتگوی بین فرهنگی</p> <p>سنت گرا: حد فاصل بین دو دینداری بنیادگرا و تجددگرا، تاکید بر سیر و سلوک باطنی، دغدغه تاسیس حکومت شریعت مدار و فقه گرا ندارد</p> <p>تجددگرا: تاکید بر اخلاقی زیستن و اخلاق این جهانی، تاکید بر روح پیام اسلام نه بر ظواهر آن، متمایل به تکثر گرایی دینی و سیاسی</p>
مجتهد شیبستری	<p>قرائت رسمی از دین: اسلام فقاهتی، داعیه حکومت دارد، انسان برای دین است نه دین برای انسان</p> <p>قرائت غیر رسمی از دین: قرائت انسانی از دین بر اساس چارچوب هرمنوتیکی و تاکید بر تعامل معرف جدید و معرف دینی</p>
کدیور	<p>سنتی: تاکید بر چارچوب های شکلی و فرمالیستی در مواجهه با سنت نبوی، تاکید بر اطاعت</p> <p>سنت گرایانه: تاکید بر بعد عرفانی و شهودی در مواجهه با سنت نبوی، تاکید بر ولایت</p> <p>بنیادگرایانه: تاکید بر بعد سیاسی در مواجهه با سنت نبوی، تاکید بر جهاد و شهادت</p> <p>نواندیشانه: تاکید بر بعد احیاگرایانه در مواجهه با سنت نبوی، تاکید بر حیات طیبه</p>
آپورت	<p>برونگرا(نهادی): از مذهب به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد استفاده می‌کند، دارای شخصیتی اقتدارگرا و تعصب آلود</p> <p>درونگرا(شخصی): فرد تعالیم بنیادی مذهب در مورد اخوت و برادری را منعکس کننده آرمان هایی می‌داند که صادقانه باورشان دارد، دارای شخصیتی مداراجو</p>

برای برگزیدن گونه شناسی مطلوب و متناسب با این مقاله، دیدگاه های صاحب نظران و متفکران داخلی و خارجی فراوانی از جمله، فروم، شپرد، هیک، آلپورت، سروش، ملکیان، مجتهد شبستری و ... مورد بررسی قرار گرفت که نهایتاً مدل ویلیام شپرد که رهیافتی جامعه شناسانه دارد، به دلیل جامعیت بالا و زیر پوشش قرار دادن اغلب مولفه ها و شاخص های گونه شناسی های دیگر برگزیده شد. گونه شناسی ویلیام شپرد (۱۹۸۷) بر اساس چگونگی نگرش به مدرنیته و نحوه مواجهه با ارزش های مدرن و میزان تمامیت گرایی صورت گرفته است و نتیجه ۷ سال مطالعه او در سرزمین های اسلامی و از جمله ایران است. شپرد انواع دینداری ها را به عنوان مقوله های کاملاً جدا در نظر نمی گیرد بلکه آن ها را به عنوان نقطه هایی بر روی یک طیف دو بعدی قرار می دهد که یک بعد آن کلیت (تمامیت) گرایی اسلامی و بعد دیگرش تجدد (مدرنیته) است. وی پنج نوع دینداری سکولار، تجدد گرایی اسلامی، اسلام گرایی رادیکال، سنت گرایی جدید و سنت گرایی را بازشناسی نموده است. تقسیم بندی وی مبتنی بر طبقه بندی عکس العمل ها و پاسخ ها به نفوذ غرب و راه حل هایی برای احیای اسلام در عصر حاضر است. او ویژگی های مهم هر یک از انواع دینداری را خصوصاً از بعد دوری و نزدیکی با مدرنیته بر می شمرد و به این طریق مطالعه او انواع متفاوت دینداران را در بر می گیرد و از جامعیت بالایی برخوردار می باشد. لذا بر اساس دیدگاه شپرد، انواع دینداری در افراد به طور کلی با موضع گیری نسبت به شاخص ها و مولفه ها و ارزش های مدرنیته دسته بندی می شوند.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق، پیمایشی و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد که جهت دستیابی به آن ها، به دانشکده مذکور مراجعه شده است. با استعلام از واحد آموزش دانشکده ی نامبرده مشخص شد که ۷۰۰ دانشجو با ترکیب جنسیتی ۶۵ درصد دختر و ۳۵ درصد پسر در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۰-۹۱، در مقطع کارشناسی در حال تحصیل هستند. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که تعداد ۲۴۷ نفر به روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شده اند.

تعریف مفاهیم

تعریف نظری: دینداری به بیان کلی، یعنی داشتن «اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش های فرد را متأثر می سازد (هیمل فارب، ۱۹۷۵: ۶۱۸-۶۰۶).

تعریف عملیاتی: منظور از نوع دینداری برداشت ها و تلقی های متفاوتی است که دینداران در زمینه فروع دین و رابطه دین و دنیا یا واکنش به مدرنیته و مظاهر آن (عقل و علوم جدید و ...) دارند. (میرسندسی، ۱۳۸۳).

شاخص های تعیین نوع دینداری

مفهوم دینداری در مطالعات تجربی دین یکی از مفاهیم و متغیرهای چالش برانگیز است، به طوری که در تعریف عملیاتی آن افراد مختلف بنا به تعاریف مختلفی که از دین دارند شاخص ها و ابعاد مختلفی را برای آن در نظر گرفته اند (سراج زاده، ۱۳۸۴: ۶۱) با در نظر گرفتن گونه شناسی دینداری انتخاب شده برای چارچوب نظری که بر طبق آن ویلیام شپرد انواع دینداری را بر اساس چگونگی نگرش به مدرنیته و ارزش های آن مورد

بررسی و تقسیم بندی قرار داده است، شاخص های مدرنیته و تجدد که از طریق موضع گیری نسبت به آن ها، نوع دینداری دینداران مشخص می شود را با الهام از جدول معرف ها و شاخص های دینداری شپرد و رجوع به مولفه های مدرنیته، ارائه می کنیم. در اینجا لازم است ابتدا مدرنیته را تعریف کنیم و در ادامه به بررسی مفصل تر شاخص ها و گویه های سنجش آن بپردازیم.

«مدرنیته» به معنای نوآوری، ابداع، ابتکار، خلاقیت، پیشرفت، ترقی، رشد خودآگاهی تاریخی بشر و همچنین به معنای خردباوری و تلاش برای عقلانی کردن هر چیز، شکستن و ویران کردن عادت های اجتماعی و باورهای سنتی، همراه با پشت سر نهادن ارزش های سنتی و باور به اصالت علم تجربی، التزام به اصل آزادی (لیبرالیسم) و اعتقاد به برابری همه انسان ها و تاکید بر محوریت انسان و اعتقاد به ایده پیشرفت و خصوصی و فردی بودن دین تعریف و توصیف شده است. (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۱)

عقل گرایی دینی^۵:

به این معنا که عقل مستقل از وحی و آموزه های الهی توان اداره زندگی بشر را دارد و انسان با استفاده از عقل خود قادر است تمام مسائل را درک نموده و به حل آنها بپردازد و در واقع به مرجعیت خرد خودبنیاد و تلاش در جهت عقلانی سازی فرایند زندگی و افسون زدایی از ساحت های حیات بشری اشاره دارد. (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

گویه ۱: در احکام دینی، باید هر آنچه را که با عقل و اندیشه ما سازگار نیست کنار گذاشت.

گویه ۲: اصول دین ثابت است و تحت تاثیر عقل و دانش امروزی بشر تغییر نمی کند.

گویه ۳: هر برداشتی از دین آزاد است و نیازی به رجوع به متخصص دینی نداریم.

آزادی خواهی^۶:

به معنای آزادی خواهی خارج از چهارچوب دین. (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

گویه ۱: انسان آزاد و مجاز است که هر گونه که می خواهد زندگی کند و تقید به دستورات دین دست و پای انسان را می بندد.

گویه ۲: با خرید و فروش مشروبات الکلی و فیلم هایی با موضوعات جنسی نباید برخورد و سخت گیری شود و سود و زیان استفاده از آنها به خود اشخاص ارتباط دارد.

گویه ۳: حجاب یک موضوع شخصی است و فرد باید در انتخاب نوع پوشش خود آزاد باشد و نباید از طرف حکومت تحمیل شود.

کثرت گرایی^۷:

کثرت گرایی عبارت است از قبول و پذیرش این دیدگاه که تحویل و تبدیل وجود انسانی از حالت خودمحوری به خدامحوری (حقیقت محوری)، به طرق گوناگون در درون همه سنت های دینی بزرگ عالم صورت می گیرد. به عبارت دیگر، تنها یک راه و شیوه نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راه های متعدد و متکثری در این زمینه وجود دارد. (هیک، ۶۵-۱۳۷۸: ۶۹)

5. Rationalism

6. Liberalism

7. Pluralism

گویه ۱: تنها دین اسلام و مذهب تشیع بر حق است و فقط پیروان آن اهل رستگاری و نجات هستند.
 گویه ۲: برای رسیدن به حقیقت دین، راه‌های مختلف (نه یک راه) وجود دارد و افراد به شکل‌های مختلفی می‌توانند دیندار باشند.
 گویه ۳: هیچ دینی نمی‌تواند مدعی شود که تنها دین بر حق است.

انسان‌مداری^۸:

اومانیسم در فارسی به صورت اصالت انسان، انسان‌گرایی، انسان‌مداری، آدمیت و خودبنیادی ترجمه شده است. این مکتب انسان را محور ارزشها قرار می‌دهد یعنی اصالت به اراده و خواست او داده می‌شود. در این نظریه همه چیز از انسان شروع شده و به انسان نیز ختم می‌شود و هیچ حقیقتی برتر از انسان وجود ندارد بنابراین اومانیسم در مقابل مکتب دین که بر اساس خدا محوری می‌باشد قرار گرفته است. (آشنایی با مکاتب و اصطلاحات عقیدتی و سیاسی، ۱۳۶۷: ۳)

گویه ۱: انسان محور همه امور است و درستی و غلطی هر چیز به خواست و اراده و نظر انسان بستگی دارد.
 گویه ۲: با این همه امر و نهی موجود در دین، دیگر جایی برای استدلال و تفکر انسان باقی نمی‌ماند.

علم‌گرایی^۹:

ساینسیسم در لغت به معنای پیروی از روش علمی است؛ که از آن، به «علم‌گرایی»، «دانش‌مداری»، «علم‌پرستی»، «علم‌مداری»، «علم‌زدگی» و «اصالت علم جدید» نیز تعبیر شده است. باور این که مفروضات، روش‌های تحقیق و دیگر ویژگی‌های علوم فیزیکی و زیستی، به یکسان بر همه‌ی رشته‌ها، اعم از علوم انسانی و اجتماعی انطباق‌پذیر و اساس همه‌ی آن‌ها است، علم‌گرایی نامیده می‌شود. با این اعتقاد، که علم، تنها راهنمای قابل اعتماد برای رسیدن به حقیقت است. (هات، ۱۳۸۲: ۴۲)

گویه ۱: علوم و دانش پیشرفته امروزی همه مسائل و مشکلات را حل می‌کنند و به همه نیازهای بشر پاسخ می‌دهند.

گویه ۲: آموزه‌ها و سنت‌های دینی باید در امور روزمره ما ایفای نقش کنند و علوم و دانش پیشرفته امروزی به تنهایی برای پیشبرد امور زندگی انسان کافی نیستند.

مادی‌گرایی^{۱۰}:

تقدم و اصالت امور و منافع مادی بر امور غیر مادی، به این معنا که تنها ماده و آنچه از آن بوجود می‌آید از واقعیت و اصالت برخوردار است. (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

گویه ۱: شرایط مادی و اقتصادی، از معنویات و روحیات و مسائل فرهنگی اهمیت بیشتری دارند.
 گویه ۲: در مراودات اقتصادی و اجتماعی روزمره با مردم، نفع شخصی خودم از هر چیز مهم‌تر است.

8. Humanism

9. Scientism

10. Materialism

سکولاریسم^{۱۱}:

اندیشه‌ای فراگیر است که تا سر حد توان می‌خواهد به اتکای خرد و علم، نفوذ و تاثیر دین را از عرصه‌ها و نهادهای اجتماعی اعم از سیاست، تعلیم، تربیت، اخلاق، هنر و ... بزدايد. (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

گویه ۱: تمام قوانین حکومتی و سیاسی و همه عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی باید نشأت گرفته و متأثر از دین باشند.

گویه ۲: رهبران سیاسی باید کاردان باشند، مذهبی بودن یا نبودنشان مهم نیست.

گویه ۳: نمی‌توان گفت که برای داشتن جامعه ایده آل، حتماً به حکومت دینی نیاز داریم و به نظر می‌رسد بدون داشتن آن هم می‌توان جامعه‌ای ایده آل را بوجود آورد.

فردگرایی:

گویه ۱: احکام دینی بیشتر راجع به مسائل عبادی (نماز، روزه، حج و ...) می‌باشد تا مسائل اجتماعی.

گویه ۲: دین یک امر کاملاً فردی و خصوصی است.

ریشه مشکلات جهان اسلام:

بنیادگراها و رادیکال‌های اسلامی، علت اصلی همه معضلات و مشکلات جهان اسلام را در استعمار غرب جستجو می‌کنند و بالعکس در نقطه مقابل، سکولارها معتقدند حل مشکلات جهان اسلام در گرو پیروی از تفکر غربی و مدرنیته است.

گویه ۱: مشکلات جهان اسلام فقط خارجی است و ریشه در استعمار غرب دارد.

گویه ۲: جوامع اسلامی هر مشکلی دارند از ضعف‌های خودشان است و با رجوع به فرهنگ غربی و مدرنیته می‌توانند مشکلاتشان را حل کنند.

سنت ستیزی:

مخالفت با هر عرف دیرینه و آداب و رسوم، مگر آن آداب و رسومی که با بازاندیشی‌ها و معیارهای مدرن سازگاری داشته باشند. (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

گویه ۱: باید همه آداب و رسوم و سنت‌های فرهنگی و اجتماعی گذشته را کنار گذاشت، بجز آن‌هایی که با اندیشه‌های مدرن سازگاری دارند.

گویه ۲: روش زندگی پدران و گذشتگان‌تان به لحاظ تولید و مصرف برای یک زندگی موفق و سعادت‌مند بهترین است.

اعتبار (روایی) ابزار پژوهش

در تعیین اعتبار سنج‌های مربوط به متغیرهای اصلی این پژوهش، از روش اعتبار محتوا استفاده شد و دقت گردید تا متغیرهای پژوهشی کاملاً منطبق بر تعاریفی باشد که به وسیله پژوهشگران و صاحب‌نظران علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و شاخص‌های لازم برای شناسایی جوانب گوناگون آن بر همین مبنا

عملیاتی شوند. در گام بعد، برای بهره‌گیری از گونه‌ اعتبار صوری پژوهش، پرسشنامه طراحی شده آغازین در اختیار تعدادی از اساتید و متخصصان قرار گرفت تا با گردآوری ارزیابی و داوری آن‌ها مشخص شود که ابزار سنجش پژوهش تا چه اندازه قابلیت آن را دارد که متغیرهای مدنظر در این پژوهش را مورد سنجش قرار دهد. مجموعاً آنچه در اجماع آراء متخصصان بدست آمد در پرسشنامه مورد توجه و اصلاح (حذف، ویرایش، افزودن) دقیق قرار گرفت و از این نقطه نظر اعتبار صوری ابزار گردآوری داده‌ها حاصل شد.

پایایی ابزار پژوهش

برای سنجش پایایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد در همین راستا آزمون مقدماتی (*pre-test*) بعمل آمد و با گزارش آزمون آلفای کرونباخ مبنی بر پایایی تست‌ها، براساس تعداد ۳۰ پرسشنامه اجرا شده در جامعه آماری، پایایی تحقیق مورد سنجش قرار گرفت. در جدول ذیل ضرایب آلفای کرونباخ برای شاخص‌های اندازه‌گیری کننده متغیرها، نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳ - ضرایب آلفای کرونباخ

متغیر	آلفای کرونباخ
دینداری	۰/۹۱
گرایش سیاسی	۰/۷۴

ارائه یافته‌ها و نتیجه‌گیری

موافقت پاسخگویان با عقل‌گرایی دینی

داده‌های جدول ذیل نشان می‌دهد ۵/۹ درصد پاسخگویان با عقل‌گرایی کاملاً مخالف، ۲۴/۹ درصد مخالف، ۴۹/۸ درصد بینابین، ۱۶/۵ درصد موافق و ۳ درصد کاملاً موافق هستند.

جدول شماره ۴ - موافقت پاسخگویان با عقل‌گرایی دینی

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملاً مخالف	۱۴	۵/۷	۵/۹
مخالف	۵۹	۲۳/۹	۲۴/۹
بینابین	۱۱۸	۴۷/۸	۴۹/۸
موافق	۳۹	۱۵/۸	۱۶/۵
کاملاً موافق	۷	۲/۸	۳
بدون پاسخ	۱۰	۴	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

میزان موافقت پاسخگویان با آزادیخواهی

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۴/۳ درصد پاسخگویان با آزادیخواهی کاملا مخالف، ۱۴/۱ درصد مخالف، ۴۱/۵ درصد بینابین، ۲۹/۱ درصد موافق و ۱۱/۱ درصد کاملا موافق هستند.

جدول شماره ۵ - میزان موافقت پاسخگویان با آزادیخواهی

پاسخ ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملا مخالف	۱۰	۴	۴/۳
مخالف	۳۳	۱۳/۴	۱۴/۱
بینابین	۹۷	۳۹/۳	۴۱/۵
موافق	۶۸	۲۷/۵	۲۹/۱
کاملا موافق	۲۶	۱۰/۵	۱۱/۱
بدون پاسخ	۱۳	۵/۳	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

موافقت پاسخگویان با کثرت گرایی

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۰/۴ درصد پاسخگویان با کثرت گرایی کاملا مخالف، ۹/۷ درصد مخالف، ۲۶/۳ درصد بینابین، ۳۲/۲ درصد موافق و ۳۱/۴ درصد کاملا موافق هستند.

جدول شماره ۶ - موافقت پاسخگویان با کثرت گرایی

پاسخ ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملا مخالف	۱	۰/۴	۰/۴
مخالف	۲۳	۹/۳	۹/۷
بینابین	۶۲	۲۵/۱	۲۶/۳
موافق	۷۶	۳۰/۸	۳۲/۲
کاملا موافق	۷۴	۳۰	۳۱/۴
بدون پاسخ	۱۱	۴/۵	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

موافقت پاسخگویان با سکولاریسم

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۳ درصد پاسخگویان با سکولاریسم کاملا مخالف، ۲۵/۱ درصد مخالف، ۲۷/۷

درصد بینابین، ۲۷/۳ درصد موافق و ۱۶/۹ درصد کاملاً موافق هستند.

جدول شماره ۷ - موافقت پاسخگویان با سکولاریسم

پاسخها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملاً مخالف	۷	۲/۸	۳
مخالف	۵۸	۲۳/۵	۲۵/۱
بینابین	۶۴	۲۵/۹	۲۷/۷
موافق	۶۳	۲۵/۵	۲۷/۳
کاملاً موافق	۳۹	۱۵/۸	۱۶/۹
بدون پاسخ	۱۶	۶/۵	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

موافقت پاسخگویان با انسان مداری

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۶/۷ درصد پاسخگویان با انسان مداری کاملاً مخالف، ۴۶/۴ درصد مخالف، ۲۷/۲ درصد بینابین، ۱۵/۵ درصد موافق و ۴/۲ درصد کاملاً موافق هستند.

جدول شماره ۸ - موافقت پاسخگویان با انسان مداری

پاسخها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملاً مخالف	۱۶	۶/۵	۶/۷
مخالف	۱۱۱	۴۴/۹	۴۶/۴
بینابین	۶۵	۲۶/۳	۲۷/۲
موافق	۳۷	۱۵	۱۵/۵
کاملاً موافق	۱۰	۴	۴/۲
بدون پاسخ	۸	۳/۲	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

موافقت پاسخگویان با علم گرایی

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۷ درصد پاسخگویان با علم گرایی کاملا مخالف، ۳۲/۲ درصد مخالف، ۴۰/۵ درصد بینابین، ۲۰/۲ درصد موافق هستند.

جدول شماره ۹ - موافقت پاسخگویان با علم گرایی

پاسخها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملا مخالف	۱۷	۶/۹	۷
مخالف	۷۸	۳۱/۶	۳۲/۲
بینابین	۹۸	۳۹/۷	۴۰/۵
موافق	۴۹	۱۹/۸	۲۰/۲
کاملا موافق	-	-	-
بدون پاسخ	۵	۲	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

موافقت پاسخگویان با مادی گرایی

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۴/۹ درصد پاسخگویان با مادی گرایی کاملا مخالف، ۲۳/۶ درصد مخالف، ۴۸/۴ درصد بینابین، ۲۰/۳ درصد موافق و ۲/۸ درصد کاملا موافق هستند.

جدول شماره ۱۰ - موافقت پاسخگویان با مادی گرایی

پاسخها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملا مخالف	۱۲	۴/۹	۴/۹
مخالف	۵۸	۲۳/۵	۲۳/۶
بینابین	۱۱۹	۴۸/۲	۴۸/۴
موافق	۵۰	۲۰/۲	۲۰/۳
کاملا موافق	۷	۲/۸	۲/۸
بدون پاسخ	۱	۰/۴	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

موافقت پاسخگویان با فرد گرایی

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۷/۷ درصد پاسخگویان با فرد گرایی کاملاً مخالف، ۱۸/۹ درصد مخالف، ۳۳/۵ درصد بینابین، ۳۱/۳ درصد موافق و ۸/۶ درصد کاملاً موافق هستند.

جدول شماره ۱۱ - موافقت پاسخگویان با فرد گرایی

پاسخها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملاً مخالف	۱۸	۷/۳	۷/۷
مخالف	۴۴	۱۷/۸	۱۸/۹
بینابین	۷۸	۳۱/۶	۳۳/۵
موافق	۷۳	۲۹/۶	۳۱/۳
کاملاً موافق	۲۰	۸/۱	۸/۶
بدون پاسخ	۱۴	۵/۷	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

موافقت پاسخگویان با سنت ستیزی

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۰/۴ درصد پاسخگویان با سنت ستیزی کاملاً مخالف، ۱۰/۲ درصد مخالف، ۴۵/۵ درصد بینابین، ۳۸/۲ درصد موافق و ۵/۷ درصد کاملاً موافق هستند.

جدول شماره ۱۲ - موافقت پاسخگویان با سنت ستیزی

پاسخها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملاً مخالف	۱	۰/۴	۰/۴
مخالف	۲۵	۱۰/۱	۱۰/۲
بینابین	۱۱۲	۴۵/۳	۴۵/۵
موافق	۹۴	۳۸/۱	۳۸/۲
کاملاً موافق	۱۴	۵/۷	۵/۷
بدون پاسخ	۱	۰/۴	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

موافقت پاسخگویان با داخلی بودن مشکلات جهان اسلام

داده های جدول ذیل نشان می دهد ۱/۳ درصد پاسخگویان با داخلی بودن مشکلات جهان اسلام کاملاً مخالف، ۷/۹ درصد مخالف، ۵۰/۴ درصد بینابین، ۲۷/۹ درصد موافق و ۱۲/۵ درصد کاملاً موافق هستند.

جدول شماره ۱۳ - موافقت پاسخگویان با داخلی بودن مشکلات جهان اسلام

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
کاملاً مخالف	۳	۱/۲	۱/۳
مخالف	۱۹	۷/۷	۷/۹
بینابین	۱۲۱	۴۹	۵۰/۴
موافق	۶۷	۲۷/۱	۲۷/۹
کاملاً موافق	۳۰	۱۲/۱	۱۲/۵
بدون پاسخ	۷	۲/۸	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن گونه شناسی دینداری انتخاب شده برای چارچوب نظری که بر طبق آن ویلیام شپرد انواع دینداری را بر اساس چگونگی نگرش به مدرنیته مورد تقسیم بندی قرار داده است، با بررسی و شناخت شاخص های مدرنیته که چگونگی موضع گیری دینداران نسبت به آن‌ها به مثابه شاخص های تعیین کننده انواع دینداری در نظر گرفته می شود، انواع گونه های دینداری با قرار گرفتن بر روی طیف ذیل و مشخص شدن دوری و نزدیکی آن‌ها به هر کدام از شاخص‌ها و مولفه های مدرنیته، شناسایی می شوند. بدین معنی که بیشترین تمایل به عقل گرایی، علم گرایی، آزادی و برابری، سنت ستیزی، مادی گرایی و سکولاریسم در سکولارها و در حالتی ضعیف تر در تجددگرای اسلامی وجود دارد و در نهایت وقتی در آن طرف طیف به رادیکال های اسلامی می رسیم، مطالبه هر کدام از این مولفه‌ها به پایین ترین میزان خود می رسد و حتی منجر به تقابل و عناد با این شاخص‌ها می شود. نهایتاً مجموع نمرات حاصل از میزان موافقت یا مخالفت با گویه های پرسشنامه که معرف‌ها و شاخص های تعیین کننده نوع دینداری را در دل خود جای داده اند، وزن نوع دینداری های مورد بررسی روشن گردید و حاکی از آن است که نوع دینداری متأثر از برداشت‌ها و تلقی های متفاوتی است که دینداران در زمینه فروع دین و رابطه دین و دنیا و واکنش به مدرنیته و مظاهر آن (عقل و علوم جدید و ...) دارند؛ بطوریکه نتایج نشان می دهد از نظر نوع دینداری، ۵/۷ درصد پاسخگویان رادیکال اسلامی، ۲۳/۶ درصد سنت گرا، ۴۹/۵ درصد سنت گرای جدید، ۱۸/۴ درصد تجددگرای اسلامی و ۲/۸ درصد سکولار هستند. بنابراین بیشترین درصد پاسخگویان از لحاظ نوع دینداری، سنت گرای جدید هستند.

شکل شماره ۱



جدول شماره ۱۴- وزن انواع دین داری های مورد بررسی

پاسخ ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص
رادیکال اسلامی	۱۲	۴/۹	۵/۷
سنت گرا	۵۰	۲۰/۲	۲۳/۶
سنت گرای جدید	۱۰۵	۴۲/۵	۴۹/۵
تجددگرای اسلامی	۳۹	۱۵/۸	۱۸/۴
سکولار	۶	۲/۴	۲/۸
بدون پاسخ	۳۵	۱۴/۲	-
جمع	۲۴۷	۱۰۰	۱۰۰

منابع فاسی:

- امام جمعه زاده، سیدجواد؛ محموداوغلی، رضا؛ عیسی نژاد، امید. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان. پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره اول.
- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۸). وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها (مطالعه موردی شهر سنندج). فصل‌نامه علمی تخصصی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره اول.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۴). فرهنگ و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران، طرح نو.
- حبیب زاده خطبه سرا، رامین. (۱۳۸۴). بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۸۹). رابطه میزان دینداری (التزام دینی) با نوع دینداری. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۹.
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ موحدی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۰). رابطه میزان و نوع دینداری با ارزش‌های مردم سالاری. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۲.
- سراج زاده، سید حسین؛ شریعتی، سارا؛ صابر، سیروس. (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره چهارم، سال اول.
- سراج زاده، سید حسین؛ مهناز، توکلی. (۱۳۸۰). بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی. فصلنامه پژوهش، شماره ۲۱-۲۰، سال پنجم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ششم، شماره اول.
- صادقی، محمود. (۱۳۷۸). جایگاه دین در سلامت روانی. تهران، طریق کمال.
- طالبان، محمدرضا؛ میرزایی، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی تجربی ارتباط سطح دینداری با رفتار انتخاباتی. دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴.
- میرسندسی، محمد. (۱۳۸۳). سنجش میزان و انواع دینداری در میان دانشجویان. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۲). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران، علمی-فرهنگی.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۲). دین، قدرت و جامعه. ترجمه احمد تدین. تهران، هرمس.

منابع انگلیسی:

Allport,G. The Individual and His Religion: A Psychological Interpretation, NewYork: Macmillan, (1950)

Shepard,E. William. (1986).Islam and Ideology: Towards a Typology International journal of Middle East Studies. Vol. 19

Shepard, William. (2004). The Diversity Thought: Towards a typology Islamic Thought in the Twentieth century, edited by Suha Taji- Faruki and Basheer M.Nak,I.B.Towris.